

پیش‌بینی میزان آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان بر اساس هوش هیجانی مادران آنها

آتوسا کلانتر هرمرزی\*۱

مهدی وجدانی همت\*\*۲

#### چکیده

این پژوهش به منظور پیش‌بینی میزان آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان بر اساس هوش هیجانی مادران آنها صورت گرفته است. جامعه پژوهش مادران دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن به همراه فرزندانشان بوده که برای ارزیابی آمادگی تحصیلی فرزند خود به پایگاه سنجش تحصیلی بدو ورود به دبستان شهرستان اسدآباد در تابستان ۱۳۹۳ مراجعه کرده‌اند. تعداد ۱۲۰ مادر دارای این شرایط به عنوان نمونه انتخاب شدند. این پژوهش از نوع توصیفی و با روش همبستگی است. ابزارهای اندازه‌گیری آن عبارت‌اند از: مقیاس هوش هیجانی شات و آزمون آمادگی تحصیلی کودکان. آزمون آمادگی تحصیلی سطح عملکرد کودکان را در سه حیطه کلامی، شناختی- حرکتی و کلی تعیین می‌کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح عملکرد کلامی، شناختی- حرکتی و کلی کودکان بر اساس هوش هیجانی مادر قابل پیش‌بینی است. همچنین پیش‌بینی سطح عملکرد کلامی کودکان بر اساس هوش هیجانی مادر معنادارتر از سطح عملکرد شناختی- حرکتی آنان است.

واژگان کلیدی: آزمون آمادگی تحصیلی، عملکرد شناختی- حرکتی، عملکرد کلامی، عملکرد کلی و هوش هیجانی

---

\*۱ استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی at.kalantar@yahoo.com

\*\*۲ کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی mehdivejdani20@gmail.com

بدون شک یکی از مهمترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی که در آن شخصیت فرد پایهریزی شده و شکل می‌گیرد، دوران کودکی است. امروزه این حقیقت انکارناپذیر به اثبات رسیده، که کودکان در سنین پایین فقط به مراقبت جسمانی نیاز ندارند، بلکه این توجه و تربیت باید همه ابعاد وجودی آنها شامل؛ رشد اجتماعی، عاطفی، شخصیتی و هوشی را در برگیرد. خانواده به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر در رشد و تکامل انسان، بنیان شخصیت فرزندان را پایهریزی می‌کند و در تعیین نقش بارز و آشکار واکتس‌های عاطفی، ادراک، نگرش‌ها و ارزش‌های کودک دارای اهمیتی ویژه است. بزرگسالان مسئول تأمین رشد و یادگیری مناسب کودکان هستند. ارتباط با بزرگسالان از هنگام تولد، مهمترین تعیین‌کننده‌ی رشد اجتماعی و هیجانی مناسب کودکان بوده و همچنین میانجی رشد زبانی و ذهنی است (هاردمن، درو و آگن؛ ۳؛ ترجمه علیزاده، گنجی، یوسفی و یادگاری؛ ۱۳۸۹). همچنین این مسئله در پژوهش‌ها نیز به اثبات رسیده است که عوامل محیطی به خصوص خانواده نقش مهمی در تحول اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند. نگرش‌ها و رفتار والدین، می‌توانند در جریان رشد و تکامل استقلال و سازگاری فرزندان تسهیل‌کننده یا مانع باشد (نادری، باقری، دره کردی و ساردویی، ۱۳۹۳). شایستگی‌های اجتماعی-هیجانی والدین فرصت یادگیری و مدل‌سازی رفتارهای اجتماعی را در اختیار کودکان قرار می‌دهد (قربعلی و بشارت، ۱۳۹۲).

امروزه علاوه بر توجه به جنبه‌های غیر شناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی، استفاده از این جنبه‌ها برای پیش‌بینی توانایی فرد در موفقیت و سازگاری زندگی حائز اهمیت است (ونگ لاو، ۴، ۲۰۰۳). هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان محرک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقا بهداشت روانی یاد می‌شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی، یک حیطه چندعاملی از مجموعه مهارت‌ها و صلاحیت‌های اجتماعی است که بر توانایی‌های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مسئله و سازگاری تأثیر می‌گذارد و به طرز مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی سازگار می‌کند (بار-آن، ۵، ۲۰۰۶، به نقل از؛ شهرابی فراهانی و فرحخش، ۱۳۹۱).

هوش هیجانی سازه‌ای است که توسط سالوی و مایر (۱۹۹۰) پیشنهاد شده است. از دیدگاه بار-آن هوش هیجانی، دسته‌ای از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌های غیر شناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و محدودیت‌های محیطی افزایش می‌دهد؛ بنابراین هوش هیجانی از عوامل مهم در موفقیت زندگی فردی می‌باشد (بخشایش، ۱۳۹۳). هوش هیجانی در تعاریف دیگر هم به عنوان: یک سری از توانایی‌های ضروری برای موفقیت افراد در جنبه‌های زندگی شخصی و شغلی (بینسون، پلاگ و براون، ۷، ۲۰۱۰)، پتانسیلی برای سازگاری بهتر، تجربه استرس کمتر و حفظ سلامتی بیشتر (پور، باریبال، فیتزپاتریک و روبرتز، ۸، ۲۰۱۱)، توانایی ادراک عواطف و هیجانات (بیویس، برادی، اوشیا و گریفین، ۹، ۲۰۱۱)، تشخیص هیجان خود و دیگران و تنظیم هیجان‌ها در موقعیت‌های اجتماعی (کزوارا و بلوک، ۱۰، ۲۰۰۹) معرفی شده است. در هوش هیجانی چهار عنصر اساسی وجود دارند که عبارت‌اند از خودآگاهی، خودکنترلی (خودمدیریتی)، آگاهی اجتماعی و مدیریت اجتماعی (مدیریت رابطه) (شهبازی، حیدری و ونکی، ۱۳۹۱).

بنابراین هوش هیجانی جنبه‌های شناختی کمتری داشته و به درک خود و دیگران، ارتباط با افراد، تطبیق و مقابله با موقعیت‌های ناگهانی مربوط می‌شود. این عوامل توانایی ما را در جهت موفقیت بیشتر در پرداختن به خودمان، دیگران و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد.

---

۳. Hardman & Drew & Egan

۴. Wong & Law

۵. Bar-on

۶. Salovey & Mayer

۷. Benson & Ploeg & Brown

۸. Por & Bribball & Fitzpatrick & Roberts

۹. Beauvais & Brady & O'Shea & Griffin

۱۰. Koczwara & Bullock

درباره اهمیت وجود مهارت‌های هیجانی در افراد می‌توان گفت که، افرادی که دارای مهارت‌های هیجانی بالا هستند، مهارت‌های اجتماعی بهتر، روابط درازمدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارض‌ها دارند (براکت و سالووی، ۲۰۰۴؛ به نقل از: رنجدوست و عیوضی، ۱۳۹۲).

همچنین دنهام، رنویک، دیباردی و هیوز (۱۹۹۴) نشان دادند که رابطه هیجانی سالم میان والد و کودک با بروندادهای اجتماعی مثبت همراه است و کودکان مادرانی که در تنظیم هیجان‌های خود مهارت کافی دارند، به احتمال بیشتری به هیجان‌های همسالان خود توجه و در رفتارهای کمک کردن شرکت می‌کنند (به نقل از؛ قریبلی و بشارت، ۱۳۹۲). همچنین در پژوهش شرر (۲۰۰۶) رابطه بین هوش هیجانی و هوش کلامی بالا گزارش شده و رابطه هوش هیجانی و هوش ریاضی در سطح متوسط به دست آمده است.

خانواده و عملکرد آن به عنوان یکی از عوامل مهم در پیشگیری و حفظ سلامت افراد آن محسوب می‌شود (هرینگ، گری، تیف، تانگ، اسونی و اینفلد، ۲۰۰۶). اعضای یک خانواده در روابطی که با یکدیگر دارند، تأثیرات مختلفی را بر همدیگر گذاشته و در موفقیت‌ها و شکست‌های یکدیگر سهیم می‌باشند. جو اجتماعی که بزرگسالان فراهم می‌کنند می‌تواند رشد حرکتی کودکان پیش‌دبستانی را بهبود بخشد یا آن را کاهش دهد. در صورتی که والدین از عملکرد کودکان انتقاد کنند، برای مهارت‌های حرکتی خاص فشار بیاورند، یا نگرش رقابت جویانه ایجاد کنند، اعتمادبه‌نفس کودکان و به نوبه خود، پیشرفت حرکتی را تحلیل می‌برند (برک، ۱۵، ۲۰۰۶؛ به نقل از؛ برک، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۰). این امر در پژوهش‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. روابط افراد وابسته به ملاک‌های درونی آن‌ها و چگونگی برقراری ملاک‌های درونی آن‌ها در روابط بین فردی است (واگن و بایر، ۱۶، ۱۹۹۹، به نقل از: حسنی، نادری، رمضان زاده و پورعباس، ۱۳۹۲). روتر (۱۷، ۱۹۹۸) در بررسی ۱۶۵ کودک پرورشگاهی دچار محرومیت که به خانواده‌هایی مناسب سپرده شده بودند، مشاهده نمود که آنها در محیط‌های پرورشی خانوادگی پیشرفت‌های مناسبی داشتند و مهم‌ترین عامل برای موفقیت این دانش‌آموزان توجه و عشق پدر و مادرخوانده‌های آنان بود. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کیفیت رابطه ممکن است تحت تأثیر متغیرهای گوناگون مانند سلامت روانی قرار گیرد (آلن، رودس، استانلی، مارکمن، ۱۸، ۲۰۱۰؛ گراهام، دیبلز و بارنو، ۱۹، ۲۰۱۱).

صدرالسادات، شمس و امامی پور (۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های فرزندپروری (استبدادی، متقاعد ساختن، و سهل گیرانه) نقش اساسی در کارکرد خانواده و کارکرد خانواده، نقش مهمی در سلامت روانی کودکان دارد. نحوه ارتباط والدین با کودکان، قویترین عامل مؤثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می‌شود؛ پژوهش‌های مربوط به آسیب‌های روانی کودکان، نشان می‌دهند که بسیاری از خانواده‌ها، از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشأ ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان آنها می‌شود، استفاده می‌کنند (علیزاده و اندریس، ۲۰، ۲۰۰۲).

---

Brackett & Salovi ۱۱.

Denham & Renwick & DeBardi & Hewes ۱۲.

Shearer ۱۳.

Herring & Gray & Taffe & Tonge & Sweeney & Einfeld ۱۴.

Berk ۱۵.

Vaughn & Baier ۱۶.

Rutter ۱۷.

Allen & Rhodes & Stanley & Markman ۱۸.

Graham & Diebels & Barnow ۱۹.

Alizadeh & Andries ۲۰.

وجود بهداشت روانی در هر خانواده‌ای منجر به بهبود تمام عملکردهای عاطفی، شناختی و رفتاری افراد خانواده می‌شود و آنها را به بالاترین سطح ارتقا می‌دهد، به گونه‌ای که افراد از توانایی‌های ذاتی خود در حد کمال استفاده می‌نمایند و یک حالت سازگاری خوب، احساس بهزیستی و نگرش مثبت به زندگی خود و دیگران در آنها ایجاد می‌کند. هوش هیجانی یکی از مؤلفه‌های بهداشتی روانی است که در زمینه توانمندسازی خانواده‌ها نقش مؤثری دارد. همچنین برخورداری والدین از هوش هیجانی برای فرزندان مزایای بی‌شماری دارد. (گلمن ۲۱، ۱۹۹۹، ترجمه حمیدرضا بلوچ ۱۳۸۷).

یکی از مهم‌ترین کاربردهای هوش هیجانی مربوط به تربیت کارآمد فرزندان و پرهیز از ناسازگاری زناشویی است. روابطی که والدین با اعضای دیگر خانواده به خصوص کودکانشان دارند تأثیرات مهم بر تکامل سلامتی کودک و سلامت روان شناختی آنها دارد (رضاپور، عینی، آیین پرست و حشمی، ۱۳۹۳). برای نمونه، گاتمن ۲۲ در خلال کارش، با هدایت هیجانی والدین، کشف کرد که تعامل والد - کودک هنگامی که هیجانانگیز ابراز می‌شوند، برای رشد کودک حیاتی است. ورهون، جانگر، اکن، دکوویک، اکن ۲۳ (۲۰۰۷) بیان کردند: کودکانی که دارای ناتوانی هستند ولی از والدین حساس و پاسخگو برخوردارند، ممکن است از سطوح بالاتری از کنش‌های رشدی برخوردار باشند. گرچه رابطه نامطلوب میان والدین و فرزندان، به گونه کلی تأثیرات منفی در پی دارد، تأثیرات منفی رابطه نامطلوب با مادر بیش از تأثیرات منفی ناشی از وجود این‌گونه روابط با پدر است؛ زیرا کودکان زمان بیشتری را با مادر می‌گذرانند و در نتیجه تأثیر بیشتری از وی می‌پذیرند (احدی و بنی جمالی؛ به نقل از؛ صفایی، بیگدلی و طالع پسند، ۱۳۹۰). ماهلر ۲۴ روانپزشک و روان تحلیلگر کودک با استفاده از روش دقیق به نقش سرنوشت‌ساز مادر در تحول عاطفی کودک پی برد (ماهلر، ۱۹۷۹، ۱۹۷۷؛ به نقل از دادستان، ۱۳۷۸).

همچنین مارسلند و لیکاوک ۲۵ نمونه‌ای ۶۷ نفری از نوزادان و مادرانشان را بررسی کردند. طبق بررسی آنان، هوش هیجانی مادرانه، به‌ویژه ادراک هیجانی مناسب، با همدلی کودک بسیار همبسته است (آقابابایی، ۱۳۸۶). رتنر ۲۶ (۱۹۸۴) و راگوف ۲۷ (۱۹۹۰) نقش بسیار کلیدی گفتگوی مادر را در رشد توانایی رمزگردانی و یادآوری اطلاعات و نیز رشد توانمندی‌های حافظه‌ای کودکان نشان داده‌اند و کم توجهی به علائم هیجانی در مکالمات مادر و کودک، در رشد شناختی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. (دیبایان، قاسمزاده، خوشگویان فرد، رجب‌لو و محمدی مهر، ۱۳۹۱)

با توجه به اهمیت هوش هیجانی در روابط بین افراد یک خانواده می‌توان در روابط یک کودک با سایر اعضا به‌طور عام و با مادر به‌طور خاص این مؤلفه‌ها را مدنظر قرار داد. یکی از مراحل مهم رشد کودک، ورود به مدرسه و آغاز تحصیل در کنار ارتقای سایر توانمندی‌ها می‌باشد.

در چند سال اخیر وزارت آموزش و پرورش با همراهی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سطح کشور اقدام به انجام طرح سنجش آمادگی تحصیلی ۲۸ در تمامی کودکان آماده‌ی ورود به دبستان نموده‌اند. تمامی کودکان ایرانی برای ورود به دبستان، باید در این پایگاه‌ها حضور یافته و مجوز ثبت‌نام در مدرسه را دریافت کنند. سنجش آمادگی تحصیلی در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و در مجموع، آزمون سنجش آمادگی تحصیلی، توانایی کودک را برای سازگاری با الزامات سیستم آموزشی کشور و مدرسه و نیز فراگیری محتوای برنامه‌های آموزشی مورد سنجش و توجه قرار می‌دهد. (ضیاءالدینی، ۱۳۸۷).

---

۲۱. Golman

۲۲. Gattman

۲۳. Verhoeven & Junger & Aken & Dekovic & Aken

۲۴. Mahler

۲۵. Marsland & Likavec

۲۶. Ratner

۲۷. Ragoff

۲۸. School Readiness

تحقیقات انجام‌شده درباره آزمون سنجش تحصیلی در ایران بسیار اندک می‌باشد. مه‌رام و کریمی در پژوهشی (۱۳۹۲) ارتباط بین دست غالب و جنسیت را در هوش و آمادگی تحصیلی انجام داده‌اند که ارتباط معنی‌داری مشاهده نشده است. همچنین در پژوهش که عملکرد کودکان استرالیایی و آمریکایی در آزمون گام نخست مورد مقایسه قرار گرفت به این نتیجه دست یافتند که؛ کودکان استرالیایی در شاخص‌های غیرکلامی نمره‌های بالاتری به دست آوردند (هیکی، فرود، ویلیامز، هارت و سامرز ۲۹، ۲۰۰۰).

از آنجایی که کودکان بدو ورود به دبستان نیازمند کسب نمره لازم از پایگاه سنجش می‌باشند و از سویی دیگر از لحظه تولد تا ورود به مدرسه در محیط خانواده و ارتباط مستمر با اعضای آن به خصوص مادر قرار دارند، بنابراین ویژگی‌های روان‌شناختی مادران بر آنان تأثیرگذار بوده و در نتیجه‌ی میزان تلاش‌ها و کوشش‌هایشان مؤثر است. در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی به اهمیت ویژگی‌های مادران بر فرزندان در متغیرهای مختلف توجه شده است. پژوهشگران دریافته‌اند که امکان انتقال هیجانات منفی از مادران به کودکان بسیار زیاد است، به‌ویژه زمانی که مادران تحت فشار قرار داشته باشند، کیفیت عملکرد مادران یکی از بهترین تعیین‌کننده‌های رفتار و سلامت بچه‌هاست. عدم سلامت روانی مادران، پیامدهای منفی بسیار از جمله مشکلات سازگاری بیشتر، کاهش عزت نفس و کارکرد اجتماعی نامطلوب را برای کودکان به همراه می‌آورد (ارسون و گلن ۳۰، ۱۹۹۹)؛ به نقل از معمارزاده کازرونی، (۱۳۸۹)؛ اما تأثیر ویژگی‌های مادران در میزان موفقیت‌های تحصیلی و آمادگی فرزندان برای کسب مهارت‌های تحصیلی در بدو ورود به مدرسه در کشور مورد بررسی قرار نگرفته و نیازمند توجه بیشتر می‌باشد؛ بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به منظور بررسی پیش‌بینی میزان آمادگی تحصیلی فرزندان در بدو ورود به دبستان بر اساس هوش هیجانی مادران آنها انجام شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

- ۱- هوش هیجانی مادران می‌تواند سطح عملکرد کلامی فرزندان را پیش‌بینی کند؛
- ۲- هوش هیجانی مادران می‌تواند سطح عملکرد شناختی - حرکتی فرزندان را پیش‌بینی کند؛
- ۳- هوش هیجانی مادران می‌تواند سطح عملکرد کلی (مجموع عملکرد کلامی و شناختی-حرکتی) فرزندان را پیش‌بینی کند.

روش

جامعه مورد پژوهش تمامی مادران مراجعه‌کننده به پایگاه سنجش آمادگی تحصیلی بدو ورود به دبستان شهرستان اسدآباد به همراه فرزندان‌شان بود که دارای سواد خواندن و نوشتن بودند. به عبارتی ملاک ورود مادران به این پژوهش، داشتن سواد خواندن و نوشتن بود و به این ترتیب مادرانی که توانایی خواندن و تحلیل سوالات پرسشنامه را نداشتند، در جامعه آماری این پژوهش قرار نگرفتند. تعداد کل والدین دارای این شرایط ۱۲۸ نفر بودند که پرسشنامه‌ها جهت پاسخگویی در اختیار آنان قرار گرفت. تعداد ۸ پرسشنامه اطلاعات ناقص داشته و کنار گذاشته شد اما تعداد ۱۲۰ پرسشنامه که اطلاعاتشان کامل بود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تحلیل داده‌ها روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) به کار گرفته شد.

ابزار پژوهش

مقیاس هوش هیجانی شات ۳۱ (SSREI): این مقیاس شامل ۳۳ ماده است که توسط شات، مالوف، هال، هاگرتی، کوپر و دورنهایم ۳۲ (۱۹۹۸) به منظور سنجش مؤلفه‌های هوش هیجانی، بر اساس مدل سالوی و مایر (۱۹۹۰)، تهیه شده است. این آزمون سه مؤلفه تنظیم هیجان‌ها ۳۳، بهره‌وری از هیجان‌ها ۳۴ و ارزیابی هیجان‌ها ۳۵ دارد. در مقابل هر سؤال طیف پنج

۲۹ Hickey & Froude & Williams & Hart & Summers

۳۰ Arson & Goleman

۳۱. Schutte Self-Report Emotional Intelligence

۳۲. Hall & Haggerty & Cooper & Dornheim

۳۳. regulation of emotions

گزینه‌ای از نمره یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) در نظر گرفته شده است. سؤال‌های شماره ۵، ۸ و ۲۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. پایایی این مقیاس به روش ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ (گیگانک، پالمز، مانوچا و استوگ، ۳۶، ۲۰۰۵) و روایی مقیاس هوش هیجانی نیز از طریق سنجش همبستگی آن با دریای آرازه مرتبط، کافی گزارش شده است (آستین، ساکلوفسکی، هانگ و مک‌کنی، ۳۷، ۲۰۰۴).

همچنین در پژوهش‌های دیگر پایایی این مقیاس توسط جوکار (۱۳۸۶)، ۸۹٪ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب پایایی، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، برای کل پرسشنامه ۷۵٪ به دست آمد. برای روایی پرسش‌نامه از روایی سازه که از همبسته نمودن یک سؤال با سایر سؤالات حاصل می‌شود ۶۵٪ حاصل شد. در فرم فارسی این مقیاس آلفای کرونباخ پرسش‌های آن در مورد یک نمونه ۴۴ نفری از دانشجویان از ۸۸٪ تا ۹۱٪ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب آزمون است. ضریب آزمون-باز آزمون کل مقیاس ۷۵٪ و زیر مقیاس‌های تنظیم هیجان‌ها، بهره‌وری هیجان‌ها و ارزیابی هیجان‌ها به ترتیب ۷۲٪، ۶۹٪ و ۷۱٪ گزارش شده است (بشارت، ۳۸، ۲۰۰۷). با توجه به این نکات، آزمون فوق از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است.

مقیاس سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان: این آزمون یکی از مهم‌ترین بخش‌های سنجش میزان آمادگی تحصیلی کودکان در ایران است که در سال‌های ابتدایی با استفاده از آزمون رنگی ریون که حاوی ۳۶ تصویر است آغاز گشت. سپس از فرم ۱ و ۲ از فرم‌های پنج‌گانه الف، ب، ج، د و ه که توسط روانشناسان ایرانی تهیه و هنجاریابی شده استفاده گردید.

از سال ۱۳۸۰ نیز آزمون آمادگی تحصیلی جدید با عنوان گام نخست ۳۹ مورد استفاده آزماینده تحصیلی در پایگاه‌های سنجش قرار گرفت. آزمون گام نخست که توسط لوسی جی میلر ۴۰ ساخته شد. وضعیت آمادگی تحصیلی کودکان ۲/۹ تا ۷ سال را می‌سنجد و به صورت فردی قابل اجرا است. آزمون گام نخست خلاصه‌شده تست MAP ۴۱ می‌باشد که به عنوان یک مقیاس ارزیابی کودکان پیش‌دبستانی قلمداد می‌گردد و حیطه‌های شناختی، زبانی، حرکتی، هیجانی، اجتماعی و رفتار سازشی را در کودکان مورد سنجش قرار می‌دهد. در اجرای سنجش تنها از حیطه شناختی، زبانی و حرکتی به عنوان ملاک سنجش قرار گرفت. هر یک از حیطه‌های آزمون گام نخست شامل خرده آزمون‌هایی است که از ساده به مشکل طراحی شده است. عملکرد آزمودنی با محاسبه نمرات در آیت‌ها و خرده تست‌ها و در کل آزمون به عنوان نمره نهایی مد نظر می‌باشد. این آزمون نیز پس از ۵ سال استفاده از گردونه سنجش خارج و آزمون جدید دیگر توسط کارشناسان سنجش هوش و آمادگی تحصیلی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور با همکاری پژوهشکده کودکان استثنایی تهیه و از سال ۱۳۸۵ در پایگاه‌های سنجش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بعد از اجرای این آزمون سه نمره برای فرد به دست می‌آید که نمره اول مجموع جواب‌های کودک به سؤالات عملی و غیرکلامی است که سطح عملکرد شناختی - حرکتی کودکان را مشخص می‌کند. نمره دوم مجموع نمرات فرد در سؤالات کلامی بوده که سطح عملکرد کلامی کودکان را مشخص می‌کند و نمره سوم که مجموع این دو نمره می‌باشد، سطح عملکرد کلی کودکان را مشخص می‌کند (به دلیل استفاده فعلی در پایگاه‌ها و حفاظت از آزمون از ذکر نام و جزئیات آن خودداری می‌شود).

---

۳۴. utilization of emotions

۳۵. appraisal of emotions

۳۶. Giganc & Palmer & Manocha & Stough

۳۷. Austin & Saklofske & Haung & McKenney

۳۸. Besharat

۳۹. First step

۴۰. Lucy J. Miller

۴۱. Miller Assessment for preschoolers

جدول ۱. آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی

ردیف	عنوان	درصد	فراوانی
۱	جنسیت کودکان	دختر	۶۰
		پسر	۶۰
۲	سن مادر	۲۰ تا ۳۰ سال	۵۴
		۳۱ تا ۴۰ سال	۵۰
		۴۱ تا ۴۹ سال	۱۶
		زیر دبلم	۴۴
۳	تحصیلات مادر	دبلم	۳۶
		فوق دبلم	۱۵
		لیسانس و بالاتر	۲۵

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که نیمی از کودکان پسر و نیمی دیگر دختر هستند. سن مادر شرکت‌کننده در این پژوهش در فاصله سنی ۲۰-۳۰ دارای بیشترین فراوانی بوده و ۳۶/۶ درصد مادران با بیشترین فراوانی دارای مدرک زیر دبلم هستند.

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی پیرسون بین سطوح عملکرد کودکان، تحصیلات و هوش هیجانی مادران و ابعاد آن (n=۱۲۰)

نوع	میانگین	انحراف استاندارد	ضرایب همبستگی	تعلیم هیجانی	هوش هیجانی	کلامی	کل	نوع عملی
سطح عملکرد شناختی- حرکتی	۶۲	۳۲۱	۰/۵	۲۸۱	۴۹۵	۴۵۹	۹۳۲	۱
سطح عملکرد کلامی	۹۰	۹۹۴	۰	۴۵۵	۶۴۲	۶۷۶	۹۵۲	۱
سطح عملکرد کلی	۵۵	۷۴۷	۰/۴	۲۲۷	۵۷۶	۶۱۴	۱	۱
هوش هیجانی	۴۵	۴۲۰	۰	۸۵۲	۸۲۹	۹۰۵	۱	۱

تنظیم هیجان	۵۱	۳۲۰	۰/۷۴	۶/۶۰۹	۱
	۱۶	۶/			
ارزیابی هیجان	۷۷	۸۱۳	۰/۴۹۵	۱	
	۲۴	۶/			
بهربرداری هیجان	۱۶	۹۳۲	۱		
	۱۹	۵/			

اعداد به دست آمده که در جداول شماره ۲ نوشته شده‌اند، ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد که رابطه بین تمامی متغیرهای تحقیق را به صورت دو به دو بررسی می‌کند. هرچه اعداد به ۱ نزدیک تر باشند نشان از وجود رابطه بوده و هرچه به صفر نزدیکتر باشند نشان از عدم وجود رابطه دارند. منفی یا مثبت بودن اعداد نیز جهت رابطه را تعیین می‌کنند. تمامی متغیرها در سطح اطمینان ۹۹٪ محاسبه گشته‌اند که برخی از آنها نشان از وجود رابطه در بین تعدادی از متغیرها و برخی دیگر نشانگر عدم رابطه در تعدادی دیگر از متغیرها هستند.

ارتباط سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان با سایر متغیرها: سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان با سطح عملکرد کلامی و کل آنها و همچنین با میزان تحصیلات مادران رابطه مستقیم و معناداری دارد. در ارتباط با متغیر هوش هیجانی مادران، سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان با تحصیلات مادران، نمره کل هوش هیجانی و زیر مقیاس‌های بهره‌برداری هیجان و ارزیابی هیجان‌ها ارتباط معناداری به دست آمد.

ارتباط سطح عملکرد کلامی کودکان: این متغیر در کودکان با نمره کل آنها و تحصیلات مادران ارتباط مستقیم و معناداری دارد. همچنین سطح عملکرد کلامی کودکان با هوش هیجانی مادران و هر سه زیر مقیاس آن رابطه مستقیم و معناداری دارد.

ارتباط سطح عملکرد کلی کودکان با سایر متغیرها: این متغیر با تحصیلات مادران، هوش هیجانی مادران و هر سه زیر مقیاس آن ارتباط مستقیم و معناداری دارد.

همچنین تحصیلات مادران با هوش هیجانی و زیر مقیاس‌های تنظیم و بهره‌برداری هیجان‌ها ارتباط مستقیم و معناداری دارد.

بررسی فرضیه‌های تحقیق

جدول شماره ۳. رگرسیون (پیش‌بینی) سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان بر اساس هوش هیجانی مادران ( $n=120$ )

سطح معناداری	تغییر شده	(R <sup>۲</sup> )	تغییر تعیین	(R <sup>۲</sup> )	آماره F	میانگین مربعان	درجه آزادی	مجموع مربعان	مربع تغییرات	متغیرهای وابسته
۰۰۰	۰/۲۰۴	۰	۲۱۱	۴۹۴	۱۳۵	۱	۱۳۵	۴۶۸	رگرسیون	هوش
۰/۱				۳۱	۴۶۸					
					۱۸۶۴	۱۱۸	۱۷۵	۱۹۹۰	باقیمانده	هیجانی
					۱۴		۳			
							۱۱۹	۲۲۲	کل	
							۲	۱۲۵		



مقدار معناداری، معنادار بودن آماره F را نشان می‌دهد یعنی اگر در متغیری مقدار معناداری کمتر از یک درصد شود، معنادار بودن آماره F را نشان می‌دهد. اما ضریب تعیین ( $R^2$ ) بررسی می‌کند که متغیر پیش بین چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و یا به بیان ساده‌تر چند درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیرهای مستقل است.

طبق اطلاعات جدول شماره ۳، هوش هیجانی مادران توانسته است ۲۰/۴٪ از تغییرات سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان را پیش‌بینی کند.

جدول شماره ۴. رگرسیون (پیش‌بینی) سطح عملکرد کلامی کودکان بر اساس هوش هیجانی مادران ( $n=120$ )

رابطه متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	ضریب تعیین ( $R^2$ )	تعدیل شده	سطح معناداری
هوش	رگرسیون ن	۱۳۵۶	۱	۱۳۵۶	۳۱۴/۹۹	۴۵۷/۰	۰/۴۵۲	۰/۰۰۰۱
هیجانی باقیمانده		۱۶۱۱	۸	۲۰۱/۳۷۶				
کل		۲۹۶۷	۹					

بر اساس مقادیر جدول شماره ۴، هوش هیجانی مادران به میزان ۴۵/۲٪ از سطح عملکرد کلامی کودکان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول شماره ۵. رگرسیون (پیش‌بینی) سطح عملکرد کلی کودکان بر اساس هوش هیجانی مادران ( $n=120$ )

رابطه متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	ضریب تعیین ( $R^2$ )	ضریب تعیین adjusted	تعدیل شده	سطح معناداری
هوش	رگرسیون	۱۳۴۳۴/۹۸۲	۱	۱۳۴۳۴/۹۸۲	۷۱/۴۷۹	۰/۳۷۷	۰/۳۷۲	۰/۰۰۰۱	
هیجانی باقیمانده		۱۱۸۵۶۷۰/۶۰۹	۱۱۸	۱۰۰۴۷/۹۸۲					
کل		۱۱۹۹۱۰۵/۵۹۲	۱۱۹						

و با توجه به مقادیر جدول شماره ۵، هوش هیجانی مادران به مقدار ۳۷/۲٪ سطح عملکرد کلی کودکان را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به ضرایب تعیین حاصل‌شده می‌توان گفت که هوش هیجانی مادران بیشترین تأثیر را در سطح عملکرد کلامی کودکان داشته و کمترین تأثیر را در سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش یکی از محدود پژوهش‌هایی است که به بررسی ارتباط هوش هیجانی مادران با سطوح عملکرد فرزندان در آزمون آمادگی تحصیلی بدو ورود به دبستان پرداخته است درحالی‌که پژوهش‌های دیگری به رابطه هوش هیجانی والدین و

ادراک فرزندان (سانچز، فرناندز، لاتور، ۲۰۱۳)، هوش هیجانی مادران و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی (شمسایی، خواجه‌وند، اسدی، ۲۰۱۴)، رابطه سبک دلبستگی و هوش هیجانی مادران با سلامت کودکان (نیکولیوا، مرنکوا، ۲۰۱۳) پرداخته‌اند. هرچند با وجود آثار گسترده در زمینه هوش هیجانی، مطالعه تأثیر هوش هیجانی مادران بر عملکرد کودکان بسیار اندک است (لایلی، ۲۰۰۴). اما در زمینه رابطه هوش هیجانی والدین و آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان پژوهشی صورت نگرفته است در حالی که همه کودکان ایرانی در بدو ورود به دبستان با این مسئله مواجه هستند؛ و همچنین در خصوص رابطه ویژگی‌های والدین و سطوح عملکرد کودکان در سنجش آمادگی تحصیلی بدو ورود به دبستان هیچ پژوهشی در ایران صورت نگرفته است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین سطح عملکرد کلی کودکان بدو ورود به دبستان و هوش هیجانی مادران رابطه معنادار وجود دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش برک (۲۰۰۷) و قریلی و بشارت (۱۳۹۲) هماهنگ است.

ویگوتسکی ۴۶ با تأکید بر اهمیت بستر اجتماعی و محیط زندگی بر رشد شناختی، دنیای جدیدی از عوامل مؤثر در رشد کودکان که مربوط به اطرافیان او می‌باشد را به روی محققان گشود. نظریه اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی به پژوهشگران کمک کرد تا بفهمند، بسترهای اجتماعی غنی بر نحوه شکل‌گیری دنیای شناختی کودکان تأثیر دارد. او معتقد بود که ریشه‌های فعالیت ذهنی پیچیده در تعامل اجتماعی قرار دارد و کودکان از طریق فعالیت‌های مشترک با اعضای پخته‌تر خود، در فعالیت‌ها و تفکر مهارت کسب می‌کنند.

طبق دیدگاه ویگوتسکی، تجربیات اجتماعی هم به رشد زبان و هم به رشد شناختی کمک می‌کنند. همچنین از نظر ویگوتسکی یکی از عوامل تأثیرگذار در فضای زندگی، ویژگی‌های هیجانی والدین است. رفتارهای هیجانی والدین می‌تواند شامل نوازش کردن بچه‌ها، بوسیدن آنها، صحبت کردن بدون سرزنش فرزندان باشد (برک، ۲۰۰۷). در واقع این ویژگی‌های عاطفی هستند که هوش هیجانی فرد نامیده شده و امروزه مورد تحقیقات مختلف قرار می‌گیرد. یکی از پیامدهای مثبت رابطه هیجانی قوی میان والد و کودک، گسترش درک هیجانی کودک است که باعث رشد مجموعه مهارت‌هایی می‌شود که به شکل پیوسته در طول زندگی کودک تحول می‌یابند (قریلی و بشارت، ۱۳۹۲). راهنمایی‌های صبورانه پدر و مادر دارای هوش هیجانی بالا به فرزندان کمک می‌کند تا استعدادهای خود را بشناسند. پشتیبانی آنها باعث می‌شود تا فرزندان در برخورد با ناراحتی‌های حاصل از شکست توانا تر شود و به خود ایمان بیاورد. آنان به فرزندان خود مدیریت‌یاد می‌دهند زیرا می‌دانند که فرزندان برای به فعل درآوردن استعدادهای بالقوه عظیم خود به آن نیاز دارد (معمارزاده، ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان گفت شرایط زندگی خانوادگی می‌تواند مهارت‌ها و عملکرد کودکان را پیش‌بینی می‌کند. در یک تحقیق والدینی که از لحاظ کلامی خیلی بیشتر راغب به پاسخ‌گویی بودند، فرزندان در زبان، پیشرفت عقلانی و تحصیلی نمرات بهتری کسب کردند (برک، ۲۰۰۷).

هرگاه ادراک و شناخت رشد کند زمینه پیشرفت کودک در زبان و کلام ایجاد می‌شود و کودکان با بکار بردن توانایی‌های شناختی نیرومند، به محیط زبان پیچیده خود معنی می‌دهند. بنابراین عواملی که در رشد شناختی کودکان مؤثرند می‌توانند در رشد زبان و کلام او نیز تأثیرگذار باشند. در خانواده‌هایی که تحریک کلامی بیشتر است، دامنه واژگان کودکان آنها گسترده‌تر است و در آزمون‌های کلامی نمرات بهتری کسب می‌کنند (هاف، ۲۰۰۳).

مطالبی که تاکنون شرح داده شد، به تبیین رابطه عملکرد کودکان و میزان آمادگی تحصیلی آنها و هوش هیجانی مادران به عنوان یک سازه کلی مربوط می‌شود. اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سطح عملکرد شناختی-حرکتی و عملکرد کلامی کودکان با هوش هیجانی مادران رابطه معناداری دارد. البته سطح عملکرد کلامی کودکان رابطه بیشتری نسبت به عملکرد شناختی-حرکتی آنها با هوش هیجانی مادران دارد.

۴۲. Sanchez & Fernandez & Latorre

۴۳. Shamsy & Khajevand Khoshli & Asadi

۴۴. Nikolaeva & Merenkova

۴۵. Linley

۴۶. Vigotsky

۴۷. Hoff

با توجه به تبیین سه مؤلفه هوش هیجانی توسط سالوی و مایر (۱۹۹۰)؛ تنظیم هیجان به معنای توانایی مواجهه سازگارانه با هیجانات مخالف یا منفی با استفاده از شیوه‌های خودتنظیمی که شدت یا طول مدت حالات چنین هیجاناتی را بهبود بخشیده و نیز قابلیت ایجاد شرایط لذت‌بخش برای سایر افراد و پنهان کردن هیجانات منفی خود به منظور اجتناب از آسیب رساندن به احساسات شخصی دیگران را در بر می‌گیرد. ارزیابی و ابراز هیجان به توانایی فرد در تشخیص و فهم هیجانات خویش و سایر افراد بر اساس سرنخ‌های موقعیتی و بیانی که معانی هیجانی آن‌ها با توافق فرهنگی همراه است، اشاره دارد. بهره‌برداری از هیجان نیز شامل توانایی استفاده از اطلاعات هیجانی در تفکر، عمل و مسئله‌گشایی می‌باشد. مؤلفه ارزیابی هیجان به جنبه درون فردی و شخصی مربوط می‌شود اما دو مؤلفه تنظیم هیجان و بهره‌وری هیجان بر روابط با دیگران تأثیرگذار بوده و انتظار می‌رود که در رابطه مادر و فرزندی تأثیر بیشتری داشته باشد که در این پژوهش با توجه به بالا بودن میزان همبستگی سطوح عملکرد کودکان با مؤلفه‌های بهره‌برداری و تنظیم هیجان‌ها نسبت به ارزیابی هیجان‌ها این فرض مورد تأیید قرار گرفته است.

سطح عملکرد کلامی کودکان با تحصیلات، هوش هیجانی مادران و هر سه زیر مقیاس آن رابطه مستقیم و معناداری دارد. همچنین ارتباط سطح عملکرد کلامی کودکان با تحصیلات و هوش هیجانی مادران بیشتر از ارتباط سطح عملکرد شناختی-حرکتی با این متغیرها است. این نکته با پژوهش شرر (۲۰۰۶) همسو است که بیان کرده است: رابطه هوش هیجانی و هوش کلامی بالا بوده و رابطه آن با هوش ریاضی در سطح متوسط است. از آنجایی که تأثیر محیط بر هوش شناختی کمتر از هوش کلامی است و هوش شناختی بیشتر تحت تأثیر وراثت می‌باشد، انتظار می‌رود ویژگی‌های مادرانه و محیط‌های یادگیری بر عملکردهای کلامی تأثیر بیشتری داشته باشند.

سطح عملکرد کلی کودکان با تحصیلات، هوش هیجانی مادران و هر سه زیر مقیاس آن ارتباط مستقیم و معناداری دارد. این نکته با پژوهش مقدم حسینی، جعفر نژاد، سلطانی فر (۱۳۹۰) همسو است که بیان داشته‌اند: زنانی که به رفع نیازهای فرزندان حساس تر هستند، این حساسیت بر روی بسیاری از جنبه‌های شخصیت در حال شکل‌گیری تأثیرگذار است که این حالت منجر به تکامل عاطفی و ذهنی بیشتر فرزندان می‌شود.

تحصیلات مادران با هوش هیجانی مادران و زیر مقیاس‌های تنظیم و بهره‌برداری هیجان‌ها ارتباط مستقیم و معناداری دارد اما با ارزیابی هیجان‌ها رابطه معناداری ندارد. طبق نتایج تحقیق برادبری و گریوز (۲۰۰۵) فقط ۲۶ درصد می‌توانستند به هنگام بروز هیجان‌ها آنها را به دقت و به‌طور صحیح شناسایی کنند. بنابراین اکثر مردم در دانش و آگاهی هیجانی که در مؤلفه ارزیابی هیجان‌ها قرار می‌گیرد، نمره پایین دارند و با وجود آموزش‌ها و کسب تحصیلات هنوز در این زمینه نمرات پایین است. در این پژوهش هم افزایش تحصیلات نمی‌تواند افزایش دانش و ارزیابی هیجان‌ها را به‌طور معناداری به دنبال داشته باشد که با تحقیق فوق همسو می‌باشد.

با توجه به جدید بودن موضوع این پژوهش و عدم وجود تحقیقات کافی در این زمینه نتایج زیر در آن حاصل شده است که در پژوهش‌های آتی باید به بررسی و تحلیل بیشتر آنها پرداخت.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سطح عملکرد شناختی-حرکتی کودکان با تحصیلات، هوش هیجانی مادران و زیر مقیاس‌های بهره‌برداری هیجان و ارزیابی هیجان‌ها ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

به‌طور کلی با توجه به اهمیتی که مادر در تکوین شخصیت فرزندان و رشد و پیشرفت آنها دارد، توجه به جنبه‌های روان‌شناختی مادران و آموزش مهارت‌های اساسی به ایشان در داشتن جامعه‌ای سالم و دارای کودکان آماده رشد و پیشرفت برای ارتقاء هرچه بهتر آن بسیار ضروری به نظر می‌رسد. نکته دیگر توجه به بافت خانوادگی و ویژگی‌های اعضای آن در هنگام تصمیم‌گیری برای سرنوشت فرزندان می‌باشد چرا که تمام توانایی‌ها و تکامل‌های آنان در بستر خانواده و ارتباط با اعضا به خصوص مادر شکل می‌گیرد. از سویی دیگر حضور کودکان در پایگاه‌های سنجش بدو ورود به دبستان، شروع رسمی تحصیل آنان به شمار می‌رود و نتایجی که در آنجا کسب می‌کنند گاهی در سرنوشت آنان مسیرهای دیگری را برایشان رقم می‌زند. بنابراین توجه به سلامت روانی کودکان و خانواده و مخصوصاً والدین آنها برای تصمیم‌گیری درباره تعیین مسیر تحصیلی آینده آنان ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی هم به بررسی تأثیر پدر در رشد و تکامل روان‌شناختی کودکان و نتایج تحصیلی آنان پرداخته شود و هم نتایج به دست آمده در سنجش آمادگی تحصیلی با نمرات دانش‌آموزان در طول سال‌های مدرسه مقایسه گردد تا از صحت روش‌های سنجش بدو ورود به دبستان آگاهی‌های کامل تری به دست آید. همچنین با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌گردد در دوره‌های آموزشی عوامل پایگاه‌های سنجش که هر ساله در مدیریت آموزش و

پرورش استثنایی هر استان برگزار می‌گردد، بر نقش ویژگی‌های شخص مراقب دانش‌آموز مخصوصاً مادر که در اغلب اوقات همراه آنها می‌آید، بر نتیجه‌ای که فرد در آزمون‌ها می‌گیرد، توجه گردد.

- آقابابایی، ناصر. (۱۳۸۶). هوش هیجانی. ماهنامه معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۱۹، سال ۱۵، صص ۸۰-۶۱.
- بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش هیجانی و هوش معنوی زوجین. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۴-۶۹.
- برادبری، تراویس؛ گریوز، جین. (۲۰۰۵). هوش هیجانی (مهارت‌ها و آزمون‌ها). ترجمه مهدی گنجی (۱۳۸۴)، تهران، نشر ساوالان.
- برک، لورا. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد (جلد اول). ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، انتشارات ارسباران، چاپ بیستم.
- جوکار، بهرام (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه‌ی هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. مجله روانشناسی معاصر، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۲-۳.
- حسینی، جعفر؛ نادری، یزدان؛ رمضان زاده، فاطمه؛ پورعباس، علی. (۱۳۹۲). نقش هوش هیجانی و طرحواره‌های هیجانی در رضایتمندی زناشویی زنان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۵۰۶-۴۸۹.
- دادستان، پریخ. (۱۳۷۸). روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی (جلد اول). تهران، انتشارات سمت.
- رضا پور میرصالح، یاسر؛ عینی، ابراهیم؛ آیین پرست، ندا؛ حشمتی، فاطمه (۱۳۹۳). اثربخشی درمان مبتنی بر دل‌بستگی بر عملکرد خانواده مادران دارای سبک دل‌بستگی ناپایمن. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، شماره پانزدهم، سال چهارم، صص ۱۲۵-۱۰۵.
- رنجدوست، شهرام؛ عیوضی، پروانه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش هیجانی دبیران با تفکر خلاق دانش‌آموزان متوسطه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۹، صص ۱۲۵-۱۱۳.
- شهبازی، سارا؛ حیدری، محمد؛ ونکی، زهره. (۱۳۹۱). هوش هیجانی نیاز پرستاری امروز: مطالعه مروری. فصلنامه مدیریت پرستاری، سال اول، دوره اول، شماره سوم، صص ۶۴-۵۵.
- شهرابی فراهانی، لیلا؛ فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران. دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۵، شماره ۸، صص ۶۰-۴۴.
- دیباییان، شهرزاد؛ قاسم‌زاده، حبیب‌اله؛ خوش‌گویان فرد، علیرضا؛ رجب‌لو، منصوره؛ محمدی مهر، رضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک یادآوری مادران و انسجام روایتی کودکان. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دوره ۱۴، شماره ۴ (مسلل ۵۶)، از صفحه تا صفحه ۶۸-۵۷.
- صدرالسادات، جلال؛ شمس اسفندآبادی، حسن؛ امامی پور، سوزان. (۱۳۸۴). مقایسه شیوه‌های فرزند پروری و کارکرد خانواده در خانواده‌های بدسرپرست، دارای اختلالات رفتاری و عادی. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. ۷(۲): ۴۳-۴۸.
- صفایی، صدیقه؛ بیگدلی، ایمان‌الله؛ طالع پسند، سیاوش. (۱۳۹۰). رابطه خود‌پنداره مادر با سبک دل‌بستگی و خودپنداره فرزند. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، سال اول، شماره دوم، صص ۵۲-۳۹.
- ضیاءالدینی، حسن. (۱۳۸۷). بررسی نتایج طرح‌های سنجش آمادگی تحصیلی کودکان ایرانی در بدو ورود به دبستان در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷. مجله دانشکده پزشکی اصفهان، سال بیست و ششم، شماره ۹۱، صص ۳۷۰-۳۶۲.
- قربعلی، اکرم؛ بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۲). رابطه هوش هیجانی مادران با توانایی نظریه ذهن کودکان. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۵، شماره ۲.
- گلن، دانیل. (۱۹۹۹). هوش عاطفی. ترجمه حمیدرضا بلوچ (۱۳۸۷). تهران، نشر جیحون.
- معمارزاده کازرونی، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه بهداشت روانی و هوش هیجانی مادران کودکان کم‌توان ذهنی و مادران کودکان عادی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد.

مقدم حسینی، وحیده؛ جعفر نژاد، فرزانه؛ سلطانی فر، عاطفه. (۱۳۹۰). همبستگی سبک دلبستگی مادر با میزان دلبستگی مادر به شیرخوار. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۸۷-۹۱.

مهرام، منوچهر؛ کریمی، فرناز. (۱۳۹۲). ارتباط دست غالب و جنسیت با نتایج آزمون هوش و آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، سال ۱۶، شماره ۷ (شماره پیاپی ۷۶)، صص ۷۶-۸۲.

نادری، سوده؛ باقری، مسعود؛ دره کردی، علی؛ ساردویی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک ها دلبستگی مادر با سازگاری دانش آموزان با توجه به میزان تحصیلات والدین. فصلنامه شخصیت و تفاوت های فردی. سال سوم، شماره ۵، صص ۱۰۵-۱۲۳.

هاردمن، مایکل ام؛ درو، کیلفورد ج؛ ایگن، ام وینستون (۲۰۰۶). روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. ترجمه حمید علیزاده، کامران گنجی، مجید یوسفی لویه، فریبا یادگاری (۱۳۸۹). تهران، نشر دانژه، چاپ دوم.

Alizadeh, H.M. Andries, C. (۲۰۰۲). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Journal of Child Fam Behavior Ther*, ۲۴(۳), ۳۷-۵۲.

Allen, E.S. Rhodes, G.K. Stanley, S.M. & Markman, H.J. (۲۰۱۰). Hitting home: relationships between recent deployment, posttraumatic stress symptoms, and marital functioning of army couples. *Journal of Family Psychology*, ۲۴(۳), ۲۸۰-۲۸۸.

Austin, E.J. Saklofske, D.H. Haug, S.H. McKenney, D. (۲۰۰۴). Measurement of trait emotional intelligence: Testing and cross-validating a modified version of suchutte et al ۱۹۹۸. measure. *Personality and Individual Differences*, ۳۸, ۵۵۵-۵۶۲.

Beauvais, AM. Brady, N. O'Shea, ER. Griffin, MT. (۲۰۱۱). Emotional intelligence and nursing performance among nursing students. *Nurse Education Today*, ۳۱(۴), ۳۹۶-۴۰۱.

Benson, G. Ploeg, J. Brown, B. (۲۰۱۰). A cross-sectional study of Emotional intelligence in baccalaureate nursing students. *Nurse Education Today*, ۲۰۱۰, ۳۰(۱), ۴۹-۵۳.

Besharat, M.A. (۲۰۰۷). Psychometric properties of Farsi version of the Emotional Intelligence Scale-۴۱ (FFIS-۴۱). *Personality and Individual Differences*, ۴۳, ۹۹۱-۱۰۰۰.

Giganc, G.E., Palmer, B.R.H. Manocha, R. Stough, C. (۲۰۰۵). An examination of the factor structure of the schutte self-report emotional (SSREI) scale. *Personality and Individual Differences*, ۳۹, ۱۰۲۹-۱۰۴۲.

Graham, J.M. Diebels, K.J. Barnow, Z.B. (۲۰۱۱). The reliability of relationship satisfaction: A reliability generalization meta-analysis. *Journal of Family Psychology*, ۲۵(۱), ۳۹-۴۸.

Herring, S. Gray, K. Taffe, J. Tonge, B. Sweeney, D. Einfeld, E. (۲۰۰۶). Behaviour and emotional problems in toddlers with pervasive developmental disorders and developmental delay: associations with parental mental health and family functioning. *Journal of Intellectual Disability Research*, ۵۰(۱۲), ۸۷۴-۸۸۲.

Froude, H. Williams, A. Hart, T. Summers, J. (۲۰۰۰). Performance of Australian children on Hickey, A. the Miller assessment for preschoolers compared with USA norms. *Australian Occupational Therapy Journal*, ۴۷(۲), ۸۶-۹۴.

- Hoff, E. (2003). The specificity of environmental influence: socioeconomic status affects early vocabulary development via maternal speech. *Child development*, 74, 1368-1378.
- Koczwara, A. Bullock, T. (2009). What is emotional intelligence at work?. *General Practice Update*, 2(2), 47-50.
- Linley, P. Alex. (2008). *Positive Psychology in Practice*. New Jersey, Wiley.
- Nikolaeva, Elena. Merenkova, Vera. (2013). The Effect of a Mother's Level of Attachment and Her Emotional Intelligence on a Child's Health during Its First Year of Life. *Scientific Research* 487
- Por, J. Barriball, L. Fitzpatrick, J. Roberts, J. (2011). Emotional intelligence: its relationship to stress, coping, well-being and professional performance in nursing students. *Journal of Nurse Education Today*, (80), 800-810.
- Saavedra, M.C. Chapman, K.E. Rogge, R.D. (2010). Clarifying links between attachment and relationship quality: Hostile conflict and mindfulness as moderators. *Journal of Family Psychology*, 24(2), 380-390.
- Sanchez-Nunez, M.T. Fernandez Berrocal, P, J. Miguel Latorre. (2013). Assessment of Emotional Intelligence in the Family: Influences Between Parents and Children on Their Own Perception and That of Others. *The Family Journal*, 21(1), 60-73.
- Salovey, P. Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination Cognition and Personality*, 9, 180-211.
- Shamsy, Maryam. Khajevand Khoshli, Afsaneh. Asadi, Javanshir. (2014). Correlation between Mothers Emotional Intelligence and Behavioral Disorders. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*, 3(3), 143-147.
- Shearer, C. B. (2006). Exploring the relationship among the multiple intelligences and emotional intelligence Unpublished manuscript, Kent State University, Retrieved 6-9-06 from [www.miresearch.org/files/Eqi\\_mi.doc](http://www.miresearch.org/files/Eqi_mi.doc).
- Rutter, M. (1998). Developmental catch-up and deficit following adoption after severe global early privation. *Journal of Psychology and Psychiatry*, 39(2), 460-76.
- Verhoeven, M. Junger, M. Van Aken, C. Dekovic, M. Van Aken M.A.G. (2007). Parenting during toddlerhood: Contributions of parental, contextual, and child characteristics. *Journal of Family Issues*, 28, 1663-1691.
- Wong, C.S. Law, K.S. (2003). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *The Leadership Quarterly*, 13(3), 243-254.